«فرهیختگان» با کارشناسان عملکرد ۷ ساله دولت در حوزه محیط زیست را بررسی می‌کند

ستاد شعارهای محیط زیست

ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

حسن روحانی ۱۹ خرداد ۹۹: «دولت تدبیر و امید در دوره‌های یازدهم و دوازدهم دوران گشایش و پیشرفت بود.» حسن روحانی ۲۱ خرداد ۹۹: «دولت یازدهم و دوازدهم وقتی دولت محیط‌زیست است و کارهای بسیار بزرگی در این زمینه انجام داده است.» هنوز درحال هضم و فهم و خنده بر طنازی‌های انجام‌شده حول جمله اول بودیم که روز گذشته رئیس‌جمهور در جلسه هیات‌دولت، دولت یازدهم و دوازدهم را با قید محیط دولت محیط‌زیست هم‌نامیده‌نوادعا کردند کارهای بسیار بزرگی هم در این حوزه دراین دو دولت انجام شده است. واقعا دولت محیط‌زیست است و کارهای بسیار بزرگی در این زمینه انجام داده است.» هنوز درحال هضم و فهم و خنده بر طنازی‌های انجام‌شده حول جمله اول بودیم که روز گذشته رئیس‌جمهور در جلسه هیات‌دولت، دولت یازدهم و دوازدهم را با قید محیط دولت محیط‌زیست هم‌نامیده‌نوادعا کردند کارهای بسیار بزرگی هم در این حوزه دراین دو دولت انجام شده است. واقعا

هیچ دولتی نمی‌تواند ادعا کند دریاچه‌ای را احیا کرده است

در ارتباط با این اظهارات، واقعیت احیا یا عدم‌امکان احیای دریاچه ارومیه و مسائلی حول این ماجرا ابتدا با پروفسور پرویز کردوانی، جغرافیدان و پدر علم بیابان‌شناسی ایران گفت‌وگوی نسبتا مفصلی انجام دادیم. او در ارتباط با اصل احیای دریاچه‌هایی نظیر دریاچه ارومیه به «فرهیختگان» گفت: «در تمام دنیا دولت‌ها هیچ کاری برای احیای دریاچه‌ها نکرده‌اند. گرم شدن کره‌زمین باعث شد این دریاچه‌ها احیا شوند یه‌طور صورت که گرم‌شدن کره‌زمین به‌دوعلت باعث بی‌نظمی شد و منطقه‌ای که سابقه بارندگی نداشت امسال شاهد بارش بود که دریاچه‌ها پر شد. افغانستان آن‌قدر بارندگی داشت که هامون سیستان هم که ۳۰ سال بود آب نداشت، آبدار شد. بنابراین هیچ دولت و وزارتخانه‌ای نمی‌تواند ادعا کند من این کار را کردم. بارندگی بود و برای گرم‌شدن کره‌زمین است. حتی تغییر اقلیم هم‌نیست حتی‌ترسالی یا خشک‌سالی هم‌نیست. تصادفی بود. ممکن است سال آینده نباشد. متاسفانه وضع آب بد است. سطح دریاها پایین رفته است. از این بارندگی‌ها درست استفاده نشده وقفه کاری که کردند این بود که این بارندگی‌ها منجر به سیل شود. اگر سیل می‌شد آدم می‌گفت، برای همین همه تلاش شان را کردند که این اتفاق نیفتد. برای مثال وزارت نیرو کاری کرد که سر سدها خالی بماند. ۳۰-۴۰ درصد سدها را خالی نگه داشت و لایروبی رودها را انجام داد. ماندن پلدختر که لایروبی انجام شد. بنابراین این برای گرم‌شدن کره زمین، بی‌نظمی و بارندگی‌هایی است که احیای دریاچه‌هایی نظیر دریاچه ارومیه انجام شد. منطقه‌ای همانند بردک ۶۰ میلیمتر بارندگی دارد، طوفان ۲۴ ساعت ۱۵۰ میلیمتر بارندگی داشت. همانجا برای گرم‌شدن کره‌زمین است.»

چاه‌های اطراف دریاچه ارومیه آب این دریاچه را کشیدند و خشک کردند

کردوانی با اشاره به سخنان رئیس‌جمهور در روزهای ابتدایی تصدی مقام ریاست جمهوری گفت: «رئیس‌جمهور زمانی که به ارومیه رفت قول داد که دریاچه ارومیه را خواهد شود. قاضی‌پور، نماینده ارومیه، از ما بعدها خواستی جز کدکری برای دریاچه نکرد. همواره می‌گفتند آب‌هایی را در دریاچه بریزیم، متناسب‌ساختند. آبی هم که به‌سد می‌رود برای دریاچه بوده است. من فکر کردم و گفتم سد را باز کنید که وزیر نیرو وظیفه نکرد. می‌گفتند اولویت اول شهر، بعد صنعت و بعد کشاورزی است و برای تالاب‌ها آبی در نظر نگرفتند. از آن طرف محیط‌زیست می‌گفت آب سدها برای دریاچه است و اگر باز کنید دریاچه احیا می‌شود ولی بلافاصله فاضی‌پور دوباره برای من نوشت فکری کنید که چه کار کنیم تا دریاچه احیا شود. گفتم اگر آب دریاچه احیا نمی‌شود، ساله سطحی نیست بلکه آب زیرزمینی باعث این شده است. اطراف دریاچه ارومیه برای توسعه کشاورزی آنقدر چاه زدند که دریاچه کشت، طبق قانون ظروف مرتبط علت اصلی خشک‌سالی دریاچه ارومیه این است طبق این قانون یعنی دو لیوان بگیر و به**

انتخاب سختی است بین اینکه باشنیدن این جملات آدم از خنده ریسه برود یا از شدت ناسف و تعجب اشک از چشمانش جاری کند اما به شکل روحانی رئیس‌جمهور منتخب ۲۰ چندمیلیون ایرانی است و ما محکوم به شنیدن این ادعاها و تامل و تفکر در ارتباط با آنها هستیم. از سطح تحلیل جملات که با رافراتر بگذاریم و کمی محدودتر و مصداقی‌تر در ارتباط با سخنان روز گذشته روحانی تامل کنیم، رئیس‌جمهور در اظهاراتی با یادآوری اولین قول وعده دولت در سال ۹۲ گفت: «احیای دریاچه ارومیه اولین قول دولت به مردم بود. درحال تکمیل تونلی به طول ۳۶ کیلومتر هستیم که آب را از سد به دریاچه ارومیه برساند. با افتتاح این طرح در دی‌ماه ۶۰۰ میلیون مترمکعب آب وارد دریاچه ارومیه می‌شود و گردوغبار دریاچه را کاملا مهار می‌کند. این عظیم‌ترین پروژه محیط‌زیستی تاریخ کشور است. ۷۰ درصد تالاب‌ها هم آبگیری شدند. البته شرایط بازندگی هم مناسب بود. دولت یازدهم و دوازدهم بحق دولت محیط‌زیست هستند و کارهای بسیار بزرگی در این زمینه انجام داده‌اند.» این سخنان وقتی جالب‌تر به نظر می‌رسد که واقعیت موجود هم‌زبان باز کرده و جملاتی را در دو یا تاییدند این سخنان روحانی بیان کند. دریاچه ارومیه به زبان بیاید. جنگل‌های هیرکانی، ارسباران و زاگرس زبان باز کنند. هورالعظیم فریاد بکشد و گردوغبار و آتش‌سوزی‌ها و خشکسالی‌ها و... همه به حرف درآیند و از واقعیت‌ها گویند: «واقعیت‌هایی که ما در رسانه، فعالان و مسئولان محیط‌زیستی در محافل مختلف از آن گفتیم و هیچ‌کس چنین باوری نسبت به دو دولت یازدهم و دوازدهم نداشت و ندارد. القصه قرار بر نوشتن از سرنبوی احیای دریاچه ارومیه، موفقیت یا عدم‌موفقیت دولت در انجام این کار و ان قلت‌هایی است که پیرامون این مساله ایجاد شده و وجود دارد. مسئولان ستاد احیای دریاچه ارومیه معتقدند اقدامات این ستاد نقش قابل توجهی در حال فعلی این دریاچه داشته و کارشناسان و فعالان محیط‌زیست دقیقا در مقابل این ستاد، حال نسبتا خوب دریاچه ارومیه آن هم بعد سال‌های متمادی خشکسالی و بی‌آبی را مرهون بارش‌های بعضا بی‌سابقه چند سال اخیر می‌دانند و خیلی عاملیتی برای ستاد احیا و دولت و اسیر نهادهای درگیر در جان‌بخشی به دریاچه ارومیه قائل نیستند. در ادامه مشروحی از اظهارات و ادعاهای مسئولان و کارشناسان را می‌خوانیم و احتمالا بحق مشخص می‌شود که دولت‌های یازدهم و دوازدهم دولت محیط‌زیست بوده‌اند یا نه؟**

من مدت‌ها قبل گفتم این دریاچه احیا نمی‌شود

پدر علم بیابان‌شناسی ایران در تشریح پروسه و اقداماتی که برای احیای دریاچه ارومیه انجام شد، گفت: «سال ۹۲ رئیس‌جمهور به ارومیه رفت. قرار شد ۱۰ ساله این دریاچه احیا شود. دریاچه ۳۴ میلیارد مترمکعب آب داشت. متخصصانی را از خارج آوردند، ۳۰۰ استاد دانشگاه تهران هم درکنار ۵۰ نفر خارجی بودند که کار می‌کردند تا کمک کنند دریاچه ارومیه احیا شود. ابتدا قانونی گذاشتند تا اطراف دریاچه ارومیه دوسال کشت و زرع نشود. هیچ کسی آب را نگیرد تا آب‌ها بماند. برادر آقای رئیس‌جمهور (حسین فریدون) به من زنگ زد و گفت آقای کلانتری گفته شما معتقدید دریاچه ارومیه احیا نمی‌شود. گفتم: شنیدم اولین کار این است که کسی در اطراف دریاچه کشاورزی نکند. گفت بله، منتها کشاورزان حاضر نشدند این کار را کنند. خب معلوم بود اگر مردم کشاورزی نکنند، تمام باغ‌ها خشک می‌شود و از کجا زندگی خود را تامین کنند. بعد کارهای دیگری را در دستورکار قرار دادند. خواستند پیشنهاد کنند آب دریای خزر را بیاورند، منتها باز به این دقت نکردیم که مشکل دریاچه برای آب زیرزمینی بود، نه آب سطحی. بعد از این اتفاقات بود که شخماهدت شهرستان شرقی دریاچه ارومیه را رفتم. وقتی وضعیت را دیدم به همان ارومیه رفتم و کلی گریه کردم و وقتی تهران آمدم در همایشی برای دانشجویان دانشگاه تهران شرکت کردم که در سالن دانشکده هنرهای زیبا برگزار شد و گفتم این دریاچه احیا نمی‌شود. می‌گفتند کشاورزان منطقه ۴۰ درصد آب‌های کشاورزی را در اختیار مصرف می‌کنند و مابقی این میزان را به احیای دریاچه اختصاص دهیم. درحدود چندصد هکتار لوله با پلی‌اتیلن درست کرده که آب کشاورزان را به آنجا دهند و بقیه را به این دریاچه اختصاص دهند. اما این راهکار هم منتج به نتیجه نشد و دریاچه‌ات سال پیش اعلام شد میزان آب دریاچه به یک‌میلیارد مترمکعب آب رسیده است. رنگ آب دریاچه سرخ شده و همه مایوس شدند. حتی سال ۹۵ اعتباری هم برای پروسه احیا بودجه و اعتباری ندادند، چون عملا مایوس شده بودند.»

برای احیای دریاچه به هر راهی رفتند و در بسته خوردند

کردوانی به سخنان و اطلاعات اخیر مسئولان دولتی در ارتباط با پروسه احیای دریاچه ارومیه اشاره کرد و گفت: «بارندگی‌هایی که اخیرا اتفاق افتاده‌اند، کمک‌کننده است. تاریخ ۶ خرداد ۹۹ یکی از مقامات وزارت نیرو گفته در سال گذشته از چندین سد به دریاچه آب بستیم که ممیران آن هشت برابر آب سد کرج است. الان هم این دریاچه ۵/۴ میلیارد مترمکعب آب دارد. بازهم در ۱۵ خرداد ۹۹ آقای ارکانیان، معاونت افتتاح سد اشنویه گفت از سال ۹۴ احیای دریاچه ارومیه شروع شده است، درصورتی که پروسه احیا از سال ۹۲ شروع شده بود. در این مدت هم کاری نکردند، نشد و به دست نخوردند. به هرحال ارکانیان گفت تا به حال یک متر ارتفاع آب بالاآمده است. مقدار آب را هم بیان کرد و اخیرا هم آخرین آبی که قرار است بیایند از کانی سیب است. آب روستا آخریدند و کانال درست کرده به سدی منتقل کردند و از آن سد کانالی ساختند که با ماشین‌های معمولی نمی‌شد و از خارج ماشین وارد کردند، چون منطقه صخره‌ای بود. این آب از منطقه نقده به دریاچه ارومیه می‌ریزد و قرار است امسال این آب را بریزند و گفتند ۶۰۰ میلیون مترمکعب است. اما این هم قابل توجه نیست. مثلا ببینید دو سه سال به مقدار زیاد و قابل توجهی، بارندگی در منطقه داشته‌ایم و از چندین سد به دریاچه آب نداده‌ایم. اگر کسی یک چاه نیز به دریاچه ریخته، (در ارتباط با انتقال فاضلاب‌ها می‌گفتم آنها را خوب تصفیه کنید تا کیفیت تمک اینجا را خراب نکند) تازه چهارمیلیارد روی حجم آب آنجا رخنه می‌کند.»

بگذارید از بارندگی‌ها عبور کنیم، حجم آب از ۵ میلیارد به ۴ یا ۳ میلیارد مترمکعب هم می‌رسد و کمتر می‌شود

این فعال محیط‌زیست با اشاره به مخالفت‌های وزارت نیرو با بحث انتقال آب سدها به دریاچه ارومیه و سپس رضایت به این کار گفت: «الان وضع آب بد شده است. به‌خاطر اینکه سیل نشود و خرابی به بار نیاورد، همه‌جای ایران سر سدها را خالی نگه داشتند، درحالی که وزارت نیرو از دادن آب سد به دریاچه ممانعت می‌کرد ولی الان از ترس سیل هرچه سد اطراف آذربایجان شرقی و غربی بوده در دریاچه باز کرده‌اند. بازهم با این همه آبی که به دریاچه بستند، تازه گفتند اینجا یک متر نسبت به سال گذشته آب بالا آمده است. آن همه سال اجازه ندادند چندرکداری شود، با اینکه مهم‌ترین منطقه چندرکداری در کشور ارومیه است و ینتج کارخانه چغندرقند دارد، حتی در دامنه ارتفاعات با وجود مخالفت محیط‌زیست باغ درست کردند. رئیس سازمان جهاد کشاورزی آنجا هم همان موقع که دریاچه‌ها را می‌بستند، گفته بود کشاورزان مظلوم واقع شدند.... و آب کشاورزی را به دریاچه اختصاص دادند اما بازهم دریاچه احیا نمی‌شود. الان آب کثیم و وسط این نی بگذاریم، هرکدام را بالاتر نگه دارید آب در لیوان دیگر پر می‌شود، بنابراین آب زیرزمینی اطراف دریاچه ارومیه به این دریاچه می‌ریخت که درنتیجه آن مشکلاتی ایجاد شد و دریاچه به این روز افتاد. منبع آبی دریاچه ارومیه سه مورد است، یکی آب‌های سطحی، دیگری بارندگی که درحدود ۳۰۰ میلیمتر دارد، دیگری آب زیرزمینی است. چاه زدند و از این مسیر توسعه کشاورزی را دنبال کردند، غافل از اینکه این چاه‌ها باعث خشکسالی دریاچه ارومیه می‌شود. من عاشق دریاچه ارومیه هستم، این را همه می‌دانند و من هم می‌گویم که کسی فکر نکند من مشکلی با آنجا دارم یا هر چیز دیگر. من خودم به ایجاد دانشگاه ارومیه در سال ۴۵ کمک کردم. آنجا رفتم و با سال ۴۷ اولین دانشکده را بنیان گذاشتم که دانشکده کشاورزی و دامپروری ارومیه بود. بعدها رشته‌های دیگر آمد. ضمنا فکر نکنند من مخالف هستم، بعد از سه چهار سال که آنجا بودم به دانشگاه تهران آمدم. هر میهمانی برای من می‌آمد سعی می‌کردم دریاچه ارومیه را ببینند و او را به ارومیه دعوت می‌کردم. ولی من همان موقع گفتم که این چاه‌ها آب دریاچه را کشیده‌اند.»

دریاچه ارومیه بیمار و از زیر سوراخ شده است

پدر علم بیابان‌شناسی ایران در پایان با جمع‌بندی اظهارات خاطرنشان کرد: «دریاچه ارومیه به‌دلیل کمبود بیمار شده است، احیا نمی‌شود. این دریاچه از زیر سوراخ شده است و دریاچه‌های داخلی هم احیا نمی‌شوند، مگر سال‌هایی که بارندگی زیاد شود و همه جا را آب بالا بکند و کشاورزی و شهر نباشد و وزارت نیرو کاملا آب را باز کند تا تالاب‌ها پر آب شود. هامون سیستان هم ۳۰ سال آب نداشت. قانون را رعایت نکردند، درنتیجه باید سالی ۲۸ میلیون مترمکعب آب می‌دادند و به درختکاری هم هشت میلیون مترمکعب باید آب می‌دادند که دادند اما دولی امسال بارندگی شد و دریاچه‌ها هم آب‌دار شد، متاسفانه سه نفر هم در آن غرق کردند. حیات ما در شرق که مشهد، سیستان و... است به افغانستان بستگی دارد. سیاست هم طوری شده که آب به ما نمی‌دهند. خوشبختانه نمی‌توانند جلوی آب را هم بگیرند و مقدار آبی که قرار است به ما بدهند در اثر سیل می‌آید که چاه‌ها و نیمه‌ها را آبدار کرد. اصل به حدی زیاد شد که هامون هم آبدار شد، هرسال نمی‌خواهند آب بدهند ولی سیل از دست آنها در می‌رود و چاه نیمه‌ها که منابع آب آشامیدنی سیستان و بلوچستان است، پر می‌شوند. آن میزان آبی که سهم ما است می‌گیریم ولی سهم تالاب ما را نمی‌دهند.»

در سال ۹۱-۹۰ همه معتقد بودند این دریاچه احیا نمی‌شود

قرار بر این نیست که یک‌طرفه به قاضی برویم، به‌هرحال سال‌هاست ستادی تحت‌عنوان ستاد احیای دریاچه ارومیه در دولت حسن روحانی ایجاد شده که انصافا اقداماتی را هم در جهت حفظ و احیای این دریاچه انجام داده است. منتها برسر این موضوع که احوال فعلی و بسیاخوش شدن دریاچه ارومیه تماما و کمال مرهون اقدامات این ستاد است یا اثر و باد و مه و خورشید و فلک نقش بیشتری در این سرحالی دریاچه داشته‌اند، اختلاف‌نظرات زیادی وجود دارد. بااین‌همه با فرهاد سرخوش، مدیر دفتر استانی ستاد احیای دریاچه ارومیه در این استان، به گفت‌وگو پرداختیم و او نیز در تشریح اقدامات این ستاد به «فرهیختگان» گفت: «منکر این نیستیم که اگر در هر کشوری بارش نباشد، آبی هم نیست. تمام برکت الهی است. این نباشد هر کاری انجام دهیم، جبران نمی‌شود. بشر به‌این تکنولوژی دست یافته ولی نتوانسته آبی تولید کند. آب را خداوند می‌دهد ولی مساله ما این است که نمی‌توانیم آن را مدیریت کنیم. مصرف ما مدیریت است. باید حرکتی انجام دهیم تا بتوانیم مدیریت کنیم. سه‌هزار لیتر آب تانکر را اگر بلد نباشی چطور مصرف کنم درعرض یک ساعت از بین می‌رود، درصورتی که می‌شود با آب نیم‌هکتار زمین را آب بدهید. اگر تاریخچه دریاچه ارومیه را نگاه کنیم، از سال ۷۵ رو به خشکی رفت و تراز آن نزولی بود، درحالی که بارش‌های بالای ۳۸۰ و ۴۰۰ میلیمتر داشته است. بعد از سال ۹۱ بارش‌ها بالای ۲۰۰ میلیمتر است. علت آن چه بود که وقتی ۴۰۰ میلیمتر بارش داشته دریاچه هم سال ۴۰ سانت کاهش داشته است؟ ۴۰ سانت برای چنین دریاچه‌ای عدد بالایی است و باعث شد حجم زیادی از دریاچه‌ای که با این عظمت در سال ۹۳ و ۹۴، خشک شود. همه‌جا لایه‌های نمکی شد. کویر نمک بود. کردوانی می‌گفت خاک پر کنید و اینجا قابل احیا نیست. با ماشین می‌رفتیم یک‌متر نمک بود. چنین شرایط اسفناکی بود که هیچ کسی قبول نداشت اینجا احیا می‌شود.»

با لایروبی رودها حجم آب انتقالی به دریاچه را افزایش دادیم

سرخوش در تشریح چرایی خشکسالی دریاچه ارومیه و اقدامات مختلف ستاد احیا ادامه داد: «علت کاهش سطح آب و خشکسالی این بود که زمانی که این منطقه روان آب‌دار داشت، این آب‌ها به دریاچه نمی‌رسید. حقابه به دریاچه نمی‌دادند، کشاورز و مردم برداشت می‌کردند. رودخانه‌هایی که ۱۰۰-۲۰۰ سال به دریاچه ارومیه آب می‌کرد، آنقدر در اثر سیل و مسدودی رسوب گذشته که با یک‌پروژه دریاچه فاصله زیادی پیدا کردند. رودخانه به جای اینکه به دریاچه واریز شود، سه، چهار کیلومتر با آن فاصله پیدا کرده بود. برگرفتن حوضه ورودی از زرینه و سیمینه است که حجم قابل توجهی است و منطقه را سیل آن را می‌برد و ۲۵ کیلومتر از دریاچه فاصله پیدا می‌کند. این آب‌ها وقتی وارد دریاچه نمی‌شدند ۴۰ سانت، ۴۰ سانت از دست می‌رفت ولا بارش هم خوب بود. اولین کاری که درباره آن مطالعه و اجرایی شد، لایروبی رودخانه‌های مهاباد بود. ۲۵ کیلومتر از سیمینه و زرینه و ماهیدار به یک‌کرانه می‌ریختند. الان هم این رودها پر شده‌اند. هم از زرینه و سیمینه و ماهیدار و یک‌کرانه می‌ریختند. الان هم این رودها پر شده‌اند. هم از زرینه و سیمینه و ماهیدار و یک‌کرانه می‌ریختند. یعنی قلبا رهاسازی از پشت راه به دریاچه بفرستیم. یعنی قلبا رهاسازی می‌کردیم، فایده نداشت و به دلتاهایی که ایجاد شده، می‌رفت. رودخانه‌های مایفی را به خود دریاچه متصل کردیم. این مرحله دوم بود. در مرحله دوم رودخانه‌های اصلی را لایروبی کردیم. ۱۲۴ کیلومتر رودخانه اصلی را که موانع داشت، لایروبی کردیم. هم در سیل ۹۸ و هم در سیل ۹۹ جواب داده و ما هیچ‌گونه خسارتی ندیدیم، چون رودخانه‌ها لایروبی شده‌اند. رودخانه‌ای که ۲۱ مترمکعب آب را از خود عبور می‌داد بعد از لایروبی و اقدامات که صورت گرفت ۳۰۰ مترمکعب آب را از خود عبور داده است. کانال اتصال مابالای ۵۰۰ مترمکعب بر ثانیه سال گذشته آب به دریاچه ارومیه عبور می‌داد. یعنی کل سیلاب را مهار کردیم و به پیکره اصلی ریختیم. دریاچه ارومیه از سال گذشته در پیکره اصلی آب دیده است و به همان خاطر آب قابل توجهی سال گذشته وارد دریاچه شد. البته منطقه حجم لایه‌های نمکی زیاد بود، با این حال آبی که وارد شد، توانست قسمتی از این لایه‌ها را بترین ببرد. امسال بالای پنج میلیارد آب داشتیم، یعنی از خود فصل آب امسال بالای دو میلیارد ۵۰۰ مترمکعب آب جدید اضافه کردیم. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد بستر نمکی از کف دریاچه ارومیه رفته است و دریاچه به حالتی درآمده که کلا لجن است. هرکسی به داخل دریاچه می‌رفت باید کفش می‌پوشید چون حاوی باقی‌های نمکی بود و پا را زخمی می‌کرد. امسال اما همه اطراف لجن است و هر جایی از دریاچه وارد شوید لجن است. نشانه این است که دریاچه نمک را از دست داده و عمق پیدا کرده است. در عرض دو، سه هفته هم پژوهشکده این تحقیقات را انجام داده و حجم آب دریاچه خیلی بالاست. این مجموعه کارها و اقداماتی بود که انجام شد.»

ادامه در صفحه ۷

ادامه از صفحه ۲

آب منطقه‌ای به‌صورت تنظیمی آب را به کشاورزان می‌دهد. دبی ورودی و اینکه به هر نهر چه مقدار آب می‌دهد، مشخص است. قبلا هیچ یک از این سازه‌ها را نداشتیم. این‌ها استانی که در سطح کشور سازه‌ها و ایستگاه‌های سنجش آب را در منتهای رودخانه دارد، ارومیه است. هر لحظه هر رودخانه‌ای ۲۴ ساعت ورودی دارد و برای این مهم سنجش ایستگاه را داریم. همیشه این را پایش می‌کنیم و ایستگاه سنجش تعبیه شده که مزایای بالایی دارد. این یکی از پروژه‌های ماست که اجرا شده است. اما در بخش کشاورزی، از آنجایی که آذربایجان قطب کشاورزی است، ۹۰ درصد آب‌های سطحی و زیرزمینی ما را کشاورز مصرف می‌کرد. هیچ آبی نمی‌ماند که به پیکره اصلی دریاچه برود. الان ۱۴ هزار هکتار آبیاری نوین انجام داده‌ایم. تقریبا امسال بالای ۸۰۰-۷۰۰ میلیون مترمربع از آن قسمت آب داشتیم که در بهمن و اسفند رها سازی شده و به دریاچه منتقل کردیم. در بخش کشاورزی آبیاری نوین انجام می‌دهیم. حتی در رودخانه‌ها بیشتر کانال‌ها بتنی است یا با انتقال لوله صورت گرفته است. کیلومترها انتقال لوله بوده که از خود رودخانه اصلی به مزارع و بین مزارع منتقل می‌شود.»

اگر دریاچه احیا نمی‌شد ۱۵میلیون نفر باید از این مناطق مهاجرت می‌کردند

سرخوش به ماجرای ریزگردهای برخاسته از دریاچه اشاره کرد و گفت: «بحث دیگر، بحث ریزگرد بود. دریاچه ارومیه که خشک شد همه‌جا تبدیل به ریزگرد نمکی شد. درواقع سریع منطقه فرق شد، کاشت درختان شورگرد و خیلی درخت‌های دیگر کل منطقه‌ای که زیرآب نبودند و در آینده هم زیرآب نخواهند رفت را انجام دادیم. فقط قسمت‌هایی که قرار بود داخل آب بود یعنی آب اینها را پوشش بدهد، مانده بود که در سال ۹۶-۹۵ برخی ریزگردها حرکت می‌کرد. خوشبختانه اینها زیر پوشش آب رفتند. وسعت دریاچه که ۵۰۰ کیلومتر بود، امروز سه‌هزار و ۲۰۰ کیلومتر است. مابقی محدوده را هم که درمان احیا و ترازا کولوژی زیرآب نخواهند رفت، تثبیت کردیم. به‌هیچ‌وجه حیوانات و احشام به آن منطقه ورود پیدا نخواهند کرد. منابع طبیعی موظف است همیشه این فرق را حفظ کند که تثبیت ما را از بین نبرد. اینها عملکرد‌های خوبی است که در راستای احیای دریاچه ارومیه صورت گرفته است. اگر این اقدامات برای دریاچه صورت نمی‌گرفت، الان اسمی به نام دریاچه ارومیه نداشتیم و ۱۵ میلیون جمعیت باید از اینجا مهاجرت می‌کرد. قوی‌ترین موجود زنبور است که حتی آن هم نمی‌توانست در آن شرایط دریاچه ارومیه به داخل کندو برود، چون ریزگرد نمکی بال آن را از بین می‌برد. تمام بوته‌های منطقه از بین رفت و این یک فاجعه بود. کاری که صورت گرفت بزرگ بود، کشورهای خارجی اکنون پی بردند که چه اتفاق بزرگی افتاده است و هر روز یک مقامی پیغام می‌دهد که دریاچه ارومیه احیا شده است و با ما مکاتبه می‌کنند. واقعاهم کار بزرگی بود که اگر صورت نمی‌گرفت، مردم منطقه باید کوچ می‌کردند. نمی‌توان تصور کرد چه می‌شد. در کل حوضه آبریز تمام‌شهرها را به شبکه فاضلاب متصل کردیم و تصفیه‌خانه احداث کردیم و پساب را به دریاچه می‌رسانیم. مشکل زیست‌محیطی را حل کردیم که آلاینده‌های فاضلاب حل شود و هم از پساب استفاده می‌کنیم و به دریاچه ارومیه می‌فرستیم. این هم یک زیرساخت بود. تمام اینها اتفاق افتاده است. از سال گذشته دریاچه ارومیه در این شرایط است و همه جای دنیا مطرح شده است. ما برای انتقال آب ابتدا زیرساخت را آماده کردیم. اگر زیرساخت آماده نبود هزار برابر این هم اگر آب بود به دریاچه نمی‌رسید. یک مساله دیگر اینکه ارائه‌های امسال آب جدیدی وارد حوضه خواهیم کرد، همان طور که رئیس‌جمهور فرمودند با کانال آب جدیدی وارد دریاچه خواهیم شد که کمک حال خوبی به حوضه و دریاچه ارومیه می‌شود. مرکز تحقیقات جنگل‌ها و مراتع وزارت رسمی منتشر کرده، می‌گوید رویشگاه شمال کشور به ۱/۶ میلیون هکتار کاهش پیدا کرده است. این رقم یعنی نسبت به ۶ دهه پیش بیش از دومیلیون از هکتارهای شمال خود را از دست داده‌ایم. این روند کاهنده، مطابق گزارشی که انجمن علمی جنگلبانی ایران هم منتشر کرده، همچنان ادامه دارد. گزارش‌های زیادی منتشر می‌شود که با پدیده خشک‌شدن گروهی درختان در شمال کشور روبه‌رو هستیم. شاهد این هستیم که تنوع زیستی در رویشگاه‌های شمال کشور به شدت به مخاطره افتاده و برخی گونه‌های اندمیک یا انحصاری ما از جمله شمشاد‌ها درحال انقراض هستند. نیمچه‌ها و نهال‌ها هم از طول چهار سال گذشته نابود شده‌اند، یعنی در همین دوره تولید آنها رو به‌زوال نابود شده است. عملا این دولت نتوانسته طرح تنظیم جنگل را به‌خوبی مدیریت کند و به اجرا درآورد. در حوزه جنگل‌های زاگرس وضعیت بدتر است و شاهد این هستیم دولت هیچ طرحی برای کاهش فشار در عرصه‌های جنگلی و معرفی معیشت‌های جایگزین برای جامعه محلی که آنها فشار را از جنگل‌ها کاهش دهند، عملا ندارد. خسارت‌های سیل سال گذشته که حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان بود آشکارا به دلیل این بود که رویش‌های جنگلی ما به‌شدت آسیب دیده و به‌شدت خاطر ضرب مخاطره و آسیب‌پذیری در آن رویشگاه افزایش یافته است.»

کاهش رویشگاه‌های شمال کشور به یک‌میلیون و ۶۰۰هزار هکتار

در ادامه به شدت دولت در ماجرای آتش‌سوزی‌های اخیر جنگل‌ها و اطفای آنها اشاره کرد و گفت: «دولت امکانات ابتدایی اطفای حریق را ندارد و حتی به اندازه کافی دمنده، کوله‌پشتی پایشی و لباس‌های ضدحریق برای یگان‌های حفاظت خود ندارد، چگونه اسم خود را دولت محیط‌زیستی می‌گذارد؟ نمی‌گویم چرا هواپیمای آبپاش و هلی‌کوپتر مخصوص نداریم، حتی دمنده هم نداریم. چگونه می‌شود دولتی که می‌تواند هزارمیلیارد پول به صنعت خودروسازی بدهد که از ورشکستگی نجات یابد یا چندمیلیارد تومان نمی‌تواند این وسایل را تامین کند؟ هرسال وقتی آتش‌سوزی می‌شود، غافلگیر می‌شویم. کسی را رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست گذاشتید که می‌گوید سرمایه‌گذاری برای اطفای حریق جنگل‌ها خیلی توجه اقتصادی ندارد. چگونه اسم دولت را می‌توان دولت محیط‌زیستی نامید وقتی رئیس سازمان محیط‌زیست آن، اعتقادی به سرمایه‌گذاری برای اطفای حریق ندارد؟ کسی را رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست گذاشتید که معتقد است مساله حفاظت از بیوزینگ آسیایی یک مساله جزئی است. یعنی متوجه نیست این یک کتاب خطی یافته است که در هیچ جای دیگر از کرمزمین وجود ندارد و فقط در ایران است. این نماد طبیعت ایران است و باید هم‌وغم خود را برای حفظ این گونه بگذارد. کسی را رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست گذاشتید که اعتراض می‌کند چرا سازمان ما ۱۰ کارشناس گرگ دارد اما یک کارشناس آب ندارد؟»

کدام دولت محیط‌زیستی مدارس طبیعت را تعطیل می‌کند؟

این فعال محیط‌زیست با انتقاد از تعطیلی مدارس طبیعت در دولت روحانی ادامه داد: «کسی را رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست گذاشتید که مدرسه طبیعت را تعطیل کرد، به‌جای اینکه مطابق بند ۱۲ منشور ۱۵ ماده‌ای مقام معظم‌رهبری عمل کند که در آستانه سال‌های ششم منتشر شد و تاکید می‌کرد باید به آموزش‌های جذاب محیط‌زیستی برای همه گروه‌های سنی به‌خصوص کودکان بپردازیم. به جای اینکه سازمان محیط‌زیست از مدرسه طبیعت حمایت کند و آن را کامل کند، نابود کرد. چگونه اسم دولت خود را دولت محیط‌زیستی می‌گذارید وقتی هیچ برنامه آموزش محیط‌زیستی برای مردم این سرزمین ندارید. شما مرجعیت تنوع زیستی یعنی سازمانی که مسئول حفظ خرس‌سیاه بلوچی، یوزپلنگ آسیایی است را به وزارت جهاد کشاورزی سپردید، وزارتخانه‌ای که یک کارشناس در این حوزه ندارد. چگونه ممکن است چنین دولتی اسم خود را دولت محیط‌زیستی بگذارد؟ شما در همان دریاچه ارومیه دودخانه زاب را تغییر مسیر می‌دهید تا آب آن را داخل دریاچه ارومیه بریزید. به قیمت نابادانی منطقه‌ای می‌خواهید منطقه را دیگری را دیگر کنید. کسی باز خردمندانه است؟ خود آقای روحانی به دولت ترکیه اعتراض می‌کند که چرا سدسازی می‌کنید و باعث شدید بین‌النهرین نابود شود؟ خودتان هم با این کار یکی از سرشاخه‌ها سی‌یک‌دهم دولت خود را خیلی ایران است، نابود می‌کنید و رنگرد‌ها وارد کشور ما می‌شود. همه اینها نشان می‌دهد کارنامه این دولت در حوزه محیط‌زیست کارنامه قابل قبولی نیست.»

کدام دولت محیط‌زیستی است که نفت را به محیط‌زیست خود ترجیح می‌دهد؟

درویش با انتقاد از ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست توسط کلانتری: «عیسی کلانتری بین مدیران سازمان محیط‌زیست فرد محبوب و کارآمدی نیست. اگر این دولت محیط‌زیستی است باید به حرکتی که همه فعالان محیط‌زیستی راه انداختند، از خود رئیس‌جمهور درخواست کردند و اسم آن دولت محیط‌زیستی بود و از آن خواهش کردند برای نشان دادن حسن‌نیت خود رئیس سازمان محیط‌زیست را برکنار کند، توجه می‌کرد. اگر این دولت محیط‌زیستی است همه کارشناسان نامه نوشتند و گفتند طرح انتقال آب خزر به سمنان را اجرا کنید ولی همچنان پافشاری می‌شود و می‌خواهد اجرا کند. این چه دولت محیط‌زیستی است که به صداهای فعالان محیط‌زیست توجه نمی‌کند و آنها را سرخه گرفته است. به بلایی که سر هورالعظیم آورده شد نگاه کنید؟ ارزشمندترین آثار کشور که می‌تواند کولر آب